

مقایسه نقش وندهای شخصی در فارسی میانه، کردی و فارسی امروز^۱

ایران کلیسایی

وندهای شخصی (Personal affix) در سه زبان ذکر شده در بالا، از نظر صوری به صورت های زیرند:

			فارسی میانه:
۱	۲	۳	اول شخص مفرد
-am/-ēm	ham	-am	دوم شخص مفرد
-ē (h)	hē (h)	-at	سوم شخص مفرد
-at/-ēt	-∅	-aš	اول شخص جمع
-ēm	hēm	-mān	دوم شخص جمع
-ēt	hēt	-tān	سوم شخص جمع
-and/-ēnd	hand (۲)	-šān	

			کردی:
-im	-im	-im	اول شخص مفرد
-î (t)	-î (t)	-it	دوم شخص مفرد
-â (t)/-ē (t)	-∅	-î	سوم شخص مفرد

-in	-in	-mān	اول شخص جمع
-in	-in	-tān	دوم شخص جمع
-in	-in	-yān	سوم شخص جمع

فارسی امروز:

-am	-am	-am	اول شخص مفرد
-i	-i	-at	دوم شخص مفرد
-ad	∅	-aš	سوم شخص مفرد
-im	-im	-emān	اول شخص جمع
-id	-id	-etān	دوم شخص جمع
-and	-and	-ešān	سوم شخص جمع

در ابتدا نقش این وندها را در فارسی میانه مورد بررسی قرار می دهیم و سپس به کردی و فارسی امروز می پردازیم.

الف - فارسی میانه

- وندهای شماره ۱ در فارسی میانه با افعال لازم و متعدی در زمان حال^۳ می آیند، همیشه در نقش فاعلی اند و جایشان در پایان فعل است:

ōhrmazd i hamē büt-∅ ut hamē bav -ēt (لازم)

سوم شخص مفرد فاعلی ۱- سوم شخص مفرد فاعلی ۲-

هرمزد که همیشه بود و همیشه خواهد بود (ف. م. ۱۴۵)^۴

ut Pursīt kū čē hamē Vēn-ēt (متعدی)

سوم شخص مفرد فاعلی ۱-

و پرسید شما چه می بینید؟ (ف. م. ۱۳۱)

- وندهای شماره ۲ (و یا افعال معین) در فارسی میانه با افعال لازم در زمان گذشته در نقش فاعلی می آیند و با افعال متعدی در زمان گذشته در نقش مفعولی (مستقیم و غیرمستقیم) و جایشان همیشه در پایان فعل است:

رفتیم. (ف. م. ۱۴۶) raft-ham (لازم)

اول شخص مفرد فاعلی ۲-

رفتی. (ف. م. ۱۴۶) raft-hē

دوم شخص مفرد فاعلی ۲-

(متعدی) *èn zan i-t o man dād frēt -ham*

اول شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - دوم شخص مفرد فاعلی ۳-

این زنی که به من دادی فریستم (= فریفت مرا). (م. ۴۵)^۵

(متعدی) *Kē āgāhē nīd-hē Kū brahnag hē*

دوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم -

که آگاهانیدت که برهنه هستی؟ (م. ۴۵)

(متعدی) *u-m xūbīhā awiš guft ud handarzēnīd-hē*

دوم شخص مفرد مفعولی ۲ غیرمستقیم - اول شخص مفرد فاعلی ۳-

و به خوبی به تو گفتم و اندرز داده‌ام. (م. ۴۶)

وندهای شماره ۳ در فارسی میانه دارای چهار نقش اند: فاعلی، مفعول

مستقیم، مفعول غیرمستقیم، ملکی.

۱- فاعلی که در این نقش با افعال متعدی در زمان گذشته می‌آیند، جایشان

پس از حروف ربط (ویا موصول) است و اگر این اجزاء در جمله نباشد به پایان فعل

می‌چسبند:

- پس از حروف ربط:

(متعدی) *pāpak kā-š ān saxuan ašnūt*

سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

وقتی که پاپک این سخنان را شنید. (ف. م. ۸۰)

(متعدی) *dānist kū ān xuamn i-m dīt rāst būt*

سوم شخص مفرد فاعلی ۲- اول شخص مفرد فاعلی ۳-

او دانست آن خوابی که من دیده‌ام راست بود. (ف. م. ۱۴۸)

- پس از فعل:

(متعدی) *guft-aš ohrmazd*

سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

اورمزد گفت. (م. ۴۵)

۲- مفعول مستقیم که با افعال متعدی در زمان حال می‌آیند و جایشان پس از

حروف ربط است:

(متعدی) tāk-tān man bē amurz -am

اول شخص مفرد فاعلی ۱- دوم شخص جمع مفعولی ۳ مستقیم -

تا من شما را بیامرزم. (ف. م. ۸۵)

۳- مفعول غیرمستقیم که با افعال متعدی و لازم در زمان گذشته و حال می آیند و جایشان پس از حروف اضافه و ربط است^۶:

(متعدی) ān kē ēn xuamn pat-aš dit

سوم شخص مفرد مفعولی ۳ غیرمستقیم -

آنکه این خواب را برایش دیدی. (ف. م. ۸۷)

۴- ملکی که با افعال لازم و متعدی در زمان حال و گذشته می آیند و جای آنها پس از حروف ربط و اضافه است:
- پس از حروف ربط:

(با فعل رابطه و یا حذف آن) u-m māt spandarmat, u-m pit dhrmazd

اول شخص مفرد ملکی ۳- اول شخص مفرد ملکی ۳-

و مادر من سپندرمت و پدر من هرمزد است. (ف. م. ۸۳)
- پس از حرف اضافه:

(لازم) ut d-mān har 2-ān sūt afkarihā

اول شخص جمع ملکی ۳-

و ما هردو را (= به هردوی ما) سود بسیار خواهد رسید. (ف. م. ۸۳)
ب- کردی^۷

- وندهای شماره ۱ در کردی با افعال لازم و متعدی در زمان حال می آیند، همیشه در نقش فاعلی اند و جایشان در پایان فعل است:

(لازم) aspaka akaw-ēt

سوم شخص مفرد فاعلی ۱-

اسب می افتد.

(متعدی) min to anēr-im

اول شخص مفرد فاعلی ۱-

من ترا می فرستم.

- وندهای شماره ۲ در کردی چهار نقش دارند: فاعلی، مفعول مستقیم،

مفعول غیرمستقیم، ملکی.

۱- فاعلی که با افعال لازم در زمان گذشته می آیند و جایشان در پایان فعل

است:

(لازم) pyāwaka hāt-Ø

سوم شخص مفرد فاعلی ۲-

مرد آمد.

۲- مفعول مستقیم که با افعال متعدی در زمان گذشته می آیند و جایشان در

پایان فعل است:

(متعدی) xwā bo min-i nārd -īt

دوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

خدا برای من فرستادت.

اگر در این نقش با وندهای فاعلی شماره ۳ بطور متوالی قرار گیرند جایشان

همیشه بعد از وند فاعلی است^۸:

nārd-mān -īt

دوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - اول شخص جمع فاعلی ۳-

فرستادیمت.

۳- مفعول غیرمستقیم که نیز با افعال متعدی در زمان گذشته می آیند و جایشان

در پایان فعل است:

xwā to-ī bo nārd -im

اول شخص مفرد مفعولی ۲ غیرمستقیم - سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

خدا ترا برایم فرستاد.

اگر مفعول مستقیم و غیرمستقیم بطور متوالی قرار گیرند مفعول مستقیم

همیشه پس از مفعول غیرمستقیم می آید:

(متعدی) bo-ī nārd -im -īt

دوم شخص مفرد - اول شخص مفرد مفعولی ۲ غیرمستقیم - سوم شخص مفرد فاعلی ۳-
مفعولی ۲ مستقیم

خدا برای من فرستادت.

از این رومی توان جای Ø- (وند سوم شخص مفرد) را وقتی که مفعول مستقیم

و یا غیر مستقیم باشد خود به خود حدس زد:

xwā bo-ī nārd -∅ -īt
 دوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - سوم شخص مفرد مفعولی ۲ غیر مستقیم - سوم شخص مفرد فاعلی ۳-
 خدا برایش فرستادت .

xwā bo-ī nārd -∅ -īt
 سوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - دوم شخص مفرد مفعولی ۲ غیر مستقیم - سوم شخص مفرد فاعلی ۳-
 خدا برایت فرستادش .

(متعدی) xwā lē-ī sand -∅ -∅ سوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - سوم شخص مفرد مفعولی ۲ غیر مستقیم - سوم شخص مفرد فاعلی ۳-
 سوم شخص

خدا ازش گرفتش (= خدا او را از او گرفت) .

۴- ملکی که با افعال متعدی در زمان گذشته می آیند و جایشان همیشه در پایان فعل است:

(متعدی) aw utumbilaka-ī frošt -in
 دوم شخص جمع ملکی ۲- سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

او اتومبیل شما را فروخت .

- وندهای شماره ۳ در کردی دارای چهار نقش اند: فاعلی، مفعول مستقیم، مفعول غیر مستقیم، ملکی .

۱- فاعلی که با افعال متعدی در زمان گذشته می آیند^۹ و جای آنها پس از اجزاء مختلف جمله است (مفعول مستقیم، غیر مستقیم و حروف اضافه) و اگر چنین اجزائی در جمله وجود نداشته باشد به پایان فعل می چسبند:
 - پس از مفعول مستقیم اسمی:

(متعدی) aw kitēbakān-ī nārd
 سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

او کتابها را فرستاد .

- پس از مفعول مستقیم ضمیری:

aw to-ī nārd
 سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

او ترا فرستاد .

- پس از مفعول مستقیم گروهی :

(متعدی) aw utumbilaka î ewa-î firošt

سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

او اتومبیل شما را فروخت .

- پس از مفعول غیرمستقیم اسم :

(متعدی) xwâ la mirzâ-î sand

-∅

سوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

خدا از میرزا گرفتش .

- پس از مفعول غیرمستقیم ضمیری (منفصل) :

(متعدی) aw bo êma-î nârd

سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

او برای ما فرستاد .

پس از مفعول غیرمستقیم ضمیری (متصل)

(متعدی) to bo-mân

-it nūsî

دوم شخص مفرد فاعلی ۳- اول شخص جمع مفعولی ۳ غیرمستقیم -

تو به ما نوشتی .

- پس از مفعول مستقیم وقتی مفعول مستقیم و غیرمستقیم به طور متوالی قرار

گیرند :

(متعدی) xwâ awân-î la min sand

سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

خدا آنها را از من گرفت .

- پس از حرف اضافه :

xwâ lê-î sand

-im

-in

سوم شخص جمع مفعولی ۲ مستقیم - اول شخص مفرد مفعولی ۲ غیرمستقیم - سوم شخص مفرد فاعلی ۳-

خدا از من گرفتشان .

- و بالأخره در پایان فعل :

(متعدی) êma nârd-mân

اول شخص جمع فاعلی ۳-

ما فرستادیم .

۲- مفعول مستقیم که با افعال متعددی در زمان حال می آیند و جای آنها در پایان اجزاء مختلف جمله جز فعل است :
- پس از مفعول غیرمستقیم اسمی :

bo mirzā-î anēr -in

سوم شخص جمع فاعلی ۱- سوم شخص مفرد مفعولی ۳ مستقیم -

برای میرزا می فرستندش .

- پس از مفعول غیرمستقیم ضمیری (منفصل) :

bo ēma-î anēr -in

سوم شخص جمع فاعلی ۱- سوم شخص مفرد مفعولی ۳ مستقیم -

برای ما می فرستندش .

- پس از مفعول غیرمستقیم ضمیری (متصل) :

bo-tān -î ahēn -în

اول شخص جمع فاعلی ۱- سوم شخص مفرد مفعولی ۳ مستقیم - دوم شخص جمع مفعولی ۳ غیرمستقیم -

برایتان می آوریمش .

- پس از پیشوند فعلی :

a-t-nēr -im

اول شخص مفرد فاعلی ۱- دوم شخص مفرد مفعولی ۳ مستقیم -

می آورمت .

۳- مفعول غیرمستقیم که با افعال متعددی در زمان گذشته و حال می آیند و همچنین با افعال لازم (گذشته و حال) در نقش قیدی ظاهر می شوند، جایشان در پایان اجزاء مختلف جمله و همچنین پس از حروف اضافه است و ضمناً در پایان فعل نمی آیند :

- پس از مفعول مستقیم اسمی :

(متعدی) hangwîn-tān bo ahēn -în

اول شخص جمع فاعلی ۱- دوم شخص جمع مفعولی ۳ غیرمستقیم -

عسل را برایتان می آوریم .

- پس از مفعول مستقیم ضمیری:

xwā aw-mān bo anēr -ēt

سوم شخص مفرد فاعلی ۱- اول شخص جمع مفعولی ۳ غیرمستقیم -

خدا او را برای ما می فرستد .

- پس از حروف اضافه

aw bo-tān ahēn -ēt

سوم شخص مفرد فاعلی ۱- دوم شخص جمع مفعولی ۳ غیر مستقیم -

او برایتان می آورد .

(لازم) min lē-t atirs -im

اول شخص مفرد فاعلی ۱- دوم شخص مفرد قیدی ۳-

من از تو می ترسم .

۴- ملکی که با افعال لازم و متعدی در زمان حال و گذشته می آیند و جای آنها

پس از مضاف است:

(متعدی) utumbī laka-tān affroš -ēt

سوم شخص مفرد فاعلی ۱- دوم شخص جمع ملکی ۳-

اتومبیلتان را می فروشد .

utumbī laka-tān -ī firošt

سوم شخص مفرد فاعلی ۳- دوم شخص جمع ملکی ۳-

اتومبیلتان را فروخت .

ج - فارسی امروز

- وندهای شماره ۱ در فارسی امروز با افعال لازم و متعدی در زمان حال

می آیند ، همیشه در نقش فاعلی اند و جایشان در پایان فعل است:

(لازم) mirav-a d

سوم شخص مفرد فاعلی ۱-

می رود .

(متعدی) mixor-a d

سوم شخص مفرد فاعلی ۱-

می خورد .

- وندهای شماره ۲ در فارسی امروز با افعال لازم و متعدی در زمان گذشته می آیند، همیشه در نقش فاعلی اند و جایشان نیز در پایان فعل است:

raft-∅ (لازم)

سوم شخص مفرد فاعلی ۲-

رفت.

xord-∅ (متعدی)

سوم شخص مفرد فاعلی ۲-

خورد.

- وندهای شماره ۳ در فارسی امروز در سه نقش ظاهر می شوند^۱: مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، ملکی.

۱- مفعول مستقیم که با افعال متعدی در زمان گذشته و حال می آیند و جایشان در پایان فعل است:

zad-am (متعدی)

-aš

سوم شخص مفرد مفعولی ۳ مستقیم - اول شخص مفرد فاعلی ۲-

زدمش.

mizan - am

- aš

سوم شخص مفرد مفعولی ۳ مستقیم - اول شخص مفرد فاعلی ۱-

می زنمش.

توضیح اینکه وقتی فعل ترکیبی (مشتق یا مرکب) باشد این وندها در این نقش در پایان جزء غیرفعلی می آیند:

برش می دارم. (فعل مشتق)

bar-aš midār

-am

اول شخص مفرد فاعلی ۱- سوم شخص مفرد مفعولی ۳ مستقیم -

کشفش کردم. (فعل مرکب)

kašf-aš kard

-am

اول شخص مفرد فاعلی ۲- سوم شخص مفرد مفعولی ۳ مستقیم -

۲- مفعول غیرمستقیم که با افعال متعدی در زمان حال و گذشته می آیند و نیز با افعال لازم (گذشته و حال) در نقش قیدی ظاهر می شوند و جایشان پس از حروف

اضافه است:

az-aš gereft (متعدی) -am
اول شخص مفرد فاعلی ۲- سوم شخص مفرد مفعولی ۳ غیرمستقیم -

ازش گرفتم^{۱۱}.

az-am mitars (لازم) -ad
سوم شخص مفرد فاعلی ۱- اول شخص مفرد قیدی ۳-

ازم می ترسد.

۳- ملکی که با افعال لازم و متعدی در زمان حال و گذشته می آیند و جای آنها پس از مضاف است:

dast-aš rā gereft (متعدی) -am
اول شخص مفرد فاعلی ۲- سوم شخص مفرد ملکی ۳-

دستش را گرفتم.

(لطفاً به جدول صفحه بعد توجه فرمائید)

نتیجه گیری:

- ۱- وندهای شماره ۱ از نظر نقش و محل قرار گرفتن در هر سه زبان یکسانند.
- ۲- وندهای شماره ۲ از نظر نقش و محل قرار گرفتن در فارسی میانه و کردی یکسانند با این تفاوت که در فارسی میانه نوع ملکی آن دیده نشده است^{۱۲}. از طرفی فارسی امروز از این وندها فقط در نقش فاعلی استفاده می کند.
- ۳- وندهای شماره ۳ از نظر نقش در فارسی میانه و کردی یکسانند و تنها اختلاف آنها در جای آنهاست. ضمناً فارسی امروز (گونه نوشتاری) از این وندها در نقش فاعلی استفاده نمی کند ولی از نظر سایر نقش ها با فارسی میانه و کردی یکسان است و تنها اختلافش با آنها نیز در محل قرار گرفتن وندهاست.

* بی نوشتها و مأخذ:

۱. فارسی امروز، گونه نوشتاری آن در نظر گرفته شده است.
۲. اینها صورتهایی از فعل "هستن" اند که در فارسی میانه به صورت فعل معین با دسته ای از افعال می آمده اند و بیان کننده شخص و عدد فعل بوده اند.
۳. این وندها در حال اخباری و التزامی این زبان مختصر اختلافی با هم دارند.
۴. دستور زبان فارسی میانه، تألیف و. س. راستار گویوا، ص ۱۴۵.

ردیف	نام زبان	نقش زنندها	با فعل لازم	با فعل متعدی	محل قرار گرفتن زننده
۱	فارسی میانه کردی فارسی امروز	فاعلی فاعلی فاعلی	حال حال حال	حال حال حال	پایان فعل پایان فعل پایان فعل
۲	کردی:	فاعلی مفعول غیر مستقیم مفعول مستقیم ملکی	گذشته - - گذشته	گذشته گذشته گذشته گذشته	پایان فعل پایان فعل پایان فعل پایان فعل
۳	فارسی میانه: فارسی امروز:	فاعلی مفعول غیر مستقیم مفعول مستقیم ملکی	- حال و گذشته حال و گذشته حال و گذشته	گذشته حال حال و گذشته گذشته حال حال و گذشته حال و گذشته	پس از حروف ربط و پایان فعل پس از حروف ربط پس از حروف اضافه و ربط پس از حروف اضافه و ربط پس از اجزاء مختلف و پایان فعل پس از اجزاء مختلف بجز پایان فعل پس از اجزاء مختلف بجز پایان فعل پس از حروف اضافه پس از حروف اضافه پس از حروف اضافه پس از حروف اضافه

۵. مکنزی، سال ۱۹۶۴، ص ۴۵.

۶. با افعال لازم و یا فعل رابطه با مفهوم قیدی میآیند:

(فعل رابطه) $\text{d}\bar{\text{e}}\text{-t } \bar{\text{e}}\text{t hast masišt r\bar{a}h$

دوم شخص مفرد قیدی-۲.

چه این نورا (= برای تو) هست بزرگترین راه. (ف. م. ۸۱)

۷. نوع کردی انتخاب شده در این مقاله "سلیمانیه" است.

۸. فقط در یک مورد استثناست و آن وقتی است که وند فاعلی سوم شخص مفرد باشد که در اینصورت وند فاعلی پس از وند مفعولی می آید. (مکنزی ۱۹۶۱)

فرستادش.

$\text{n\bar{a}rd-}\emptyset$

سوم شخص مفرد فاعلی ۳- سوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم -

فرستادیمش.

(متبدی) $\text{m\bar{a}rd-m\bar{a}n}$

\emptyset

سوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - اول شخص جمع فاعلی ۳ -

۹. فعل Wistin "خواستن" تنها فعلی است که نه تنها در زمان گذشته بلکه در زمان حال نیز از این وندها به عنوان فاعلی استفاده می کند:

می خواهمت.

$\text{a-m\bar{a}n-awe}$

-it

دوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - اول شخص جمع فاعلی ۳ -

می خواستم.

(متبدی) $\text{a-m\bar{a}n}$

-wist-it

دوم شخص مفرد مفعولی ۲ مستقیم - اول شخص جمع فاعلی ۳ -

۱۰. سوم شخص مفرد و جمع این وندها در بعضی از لهجه‌ها در نقش فاعلی نیز ظاهر می شوند و جالب اینکه گاهی با وندهای شمار ۱ و ۲ نیز همراه می گردند، یعنی اینکه دو وند فاعلی به دنبال هم می آیند:

نیستند. $\text{niss-and-e}\bar{\text{s}}\text{un}$ (اصفهانی) گفت. $\text{goft-}\emptyset\text{-e}\bar{\text{s}}$ (طهرانی)

می آید. $\text{miy\bar{a}-d-e}\bar{\text{s}}$ رفتند. $\text{raft-and-e}\bar{\text{s}}\text{un}$

کجاست؟ $\text{Ku-}\bar{\text{s}}/\text{Ku-}\bar{\text{s}}\text{-e}$

این است. $\text{in (h) \bar{a}-}\bar{\text{s}}/\text{in (h) \bar{a}-}\bar{\text{s}}\text{-e}$

کجایند؟ $\text{Ku-}\bar{\text{s}}\text{un}$

اینهائند. $\text{in\bar{a}-}\bar{\text{s}}\text{un}$

در طهرانی نیز گاهی دو وند از یک نوع (هر دو شماره ۳) به دنبال هم در نقش فاعلی می آیند، مانند: $\text{Ku-}\bar{\text{s}}\text{-e}\bar{\text{s}}$ (کجاست؟)، $\text{in (h) \bar{a}-}\bar{\text{s}}\text{-e}\bar{\text{s}}$ (این است) و گاهی $\bar{\text{s}}$ صرفاً به عنوان یک همخوان میانجی ظاهر می شود، مانند $\text{Ku-}\bar{\text{i}}\text{-}\bar{\text{s}}$ (کجائی؟) $\text{Ku (}\bar{\text{s}}\text{)-an}$ (کجایند؟) $\text{in\bar{a} (}\bar{\text{s}}\text{)-an}$ (اینهائند).

و بالاخره گویا در شهرستانهای قم و قزوین صورت های "رفتیان"، "رفتیان" (اول شخص و دوم شخص جمع) نیز به کار می رود (تکوین زبان فارسی، علی اشرف صادقی ص ۳۶).

۱۱. فارسی نوشتاری بیشتر ترجیح می دهد که به جای وندهای شماره ۳ از ضمائر شخصی آزاد استفاده کند، مثلاً "او را زدم" به جای "زدمش" و یا "از او گرفتم" بجای "ازش گرفتم".

۱۲. این احتمال وجود دارد که در این نقش نیز بکار می رفته اند ولی در متون مورد استفاده نگارنده وجود نداشته اند.

منابع :

- Mackenzie, D.N. 1961. *Kundish dialect studies*, I, london, oxford university press.
 Mackenzie; D.N. 1964. "The Indirect Affectee in Pahlavi". Dr. J.M. Unvala Memorial Volume, Bombay.
 Boyce, M. 1964. "Some Middle Persian and Parthian constructions with Governed Pronouns". Dr. J.M. Unvala Memorial Volume, Bombay.
 Edmonds, C.J. 1955. "Prepositions and Personal Affixes in Southern Kundish", B.SOAS. Vol. XVII, Part 3.
 Amin W.O. 1980. "Aspects of the Verbal construction in Kundish". SOAS, London, M. Ph. L thesis.

- راستاگویوا، و. س. دستور زبان فارسی میانه، ترجمه دکتر شادمان، ولی الله، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.
 - ناتل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۵۰.

